## یست، قربانی تاخت و تاز راهزنان در دوره قاجار

سعید بختیاری سلطانی

عضو انجمن مطالعات تاريخ بستى ايران

user35335@gmail.com

دی ماه ۱۳۹۹ خورشیدی

تزلزل و بی نظمی مزمن اقتصادی و سیاسی در دوره ۱۳۴ ساله قاجار، زمینه ساز تجاوز و تعدی فرصت طلبان و مفت خوران بر جان و مال مردم گردیده بود. بخشی از این نابسامانی در ناامنی جاده ها نمود داشت.

نمونه های متعددی از گزارش های تاریخی و مشاهده جهان گردان در خصوص راهزنی و غارت در راه ها ثبت شده و موجود است. (نفیسی، سعید، تاریخ شهریاری شاهنشاه رضا شاه پهلوی از ۳ اسفندماه ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریورماه ۱۳۲۰، تهران: شورای مرکزی جشنهای بنیادگزاری شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۴ص ۲۶ تا ۳۲).

تامین امنیت راه ها وظیفه هر حکومتی است. در طول دوره قاجار فعالیت هایی از سوی حکومت برای نیل به این مقصود صورت گرفت اما اغلب این تصمیم ها و اقدام ها منجر به نتیجه نگردید. فتحعلی شاه قاجار برای سامان دهی امور نظامی، ژنرال گاردان فرانسوی (کلود ماتیو، کنت دو گاردان) را به ایران دعوت کرد. در آغاز سلطنت ناصر الدین شاه، میرزا تقی خان امیر کبیر نیز پیگیر این موضوع بود. در این دوره کنت دو مونت فرت اطریشی به همین منظور استخدام شد.



کنت دومونت فرت (Conte de Monte Forte) با نام کامل آنتوان دمونته فرت، زاده ۱۸۷۸ ناپل ـ درگذشته ۱۹۱۶ تهران، اولین رئیس پلیس ایران بود

برای حفظ راه ها بخشی به نام "قراسوران" (سرهنگ محافظان قافله) تاسیس شد اما عملا تامین امنیت راه ها از جمله مسئولیت های حاکم منطقه محسوب می شد. (تقوی، سید مصطفی، امنیت در دوره رضا شاه، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

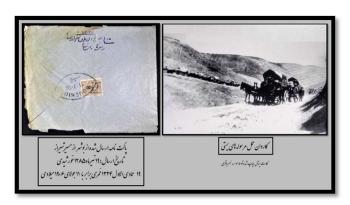
سال ۱۲۸۴ خورشیدی، آغاز بحران اقتصادی تازه ای در ایران بود. از یک سو بیماری و با در کشور شایع شد و از سوی دیگر محصول کشاورزان، بد حاصل بود. زمینه این بحران تازه در ایران، بی رونقی تجارت در شمال به دلیل وقوع جنگ روسیه و ژاپن بود. "قیمت مواد غذایی به سرعت افز ایش یافت؛ چنان که در شهر های تهران، تبریز، رشت و مشهد، در سه ماههٔ نخست این سال، قند و شکر ۳۳ درصد و گندم ۹۰ درصد گرانتر شد." (ویکی پدیا، مدخل جنبش مشروطیت ایران). درآمد حاصل از گمرک تقلیل یافت و درخواست دولت برای

دریافت و ام خارجی موافقت نشد. دولت به ناچار برای جبران کسری بودجه، مالیت بر بازرگانان را افزایش داد. این نابسامانی ها، به تدریج سبب ساز اعتراض های عمومی گردید که سرانجام به انقلاب امرداد ۱۲۸۵ خ. و صدور فرمان مشروطیت منجر شد.



کشمکش میان جناح های سیاسی و بحران های پس از انقلاب مشروطیت در گوشه و کنار کشور، سبب آشفته تر شدن قوای نظامی کشور شد.

در این اوضاع و احوال، عده ای یاغی در کمین جاده ها و راه های بین شهری بودند. هر کاروان یا محموله ای که گمان می کردند منفعتی برایشان دارد مورد سرقت قرار می دادند. دامنه این راهزنی ها از محموله های شخصی تاجران تا محموله های دولتی مانند گاری حمل نامه ها و مرسوله های پست را شامل می شد.

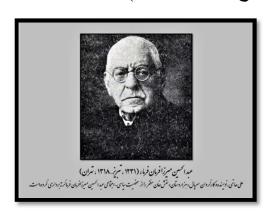


از جمله منطقه هایی که در آن غارت زیاد رخ می داد؛ منطقه فارس بود. محموله اداره پست که از بوشهر به شیر از ارسال می شد؛ تقریبا ماهی دو بار مورد دستبرد قرار می گرفت. این مسئله آنقدر شایع شده بود که تاجران مال باخته برای چاره این مصیبت به فکر استفاده از پیک های شخصی افتاده بودند.



روزنامه حبل المتین (چاپ کلکته) در تاریخ ۱۹ ذی القعده ۱۳۲۴ قمری (۱۳ دی ماه ۱۲۸۵ خورشیدی برابر با ۱۷ دسامبر ۱۹۰۶ میلادی)، سال چهاردهم، شماره ۱۹، صفحه ۱۴ و ۱۵ مقاله ای در این خصوص چاپ که د.

"مساله دیگر که مورث زحمت تجار شده، سرقت پست دولتی است که ماهی یک دفعه بلکه دو دفعه، پست را دزد می زند و تجار باید بروات را المثنی بگیرند. اکنون خبر رسیده که باز فیمابین کازرون و شیراز پست بوشهر که شیراز می رفته دزد زده است. دیشب منزل یکی از تجار محترم بودم و جمعی حاضر بودند. مذاکره بود که خوب است مثل سابق که پست جاری نبود و خودمان قاصدی گرفته، نوشتجات تجارتی را بفرستیم شیراز که هر روزه از گرفتن برات المثنی آسوده باشیم. زیرا که می بینیم این اوقات قافله و عابر السبیل را کار ندارند. هر چه می زنند پست و رئیس پست است. دیگری از تجار می گفت یک سال بیشتر است امانت به پستخانه داده ام دزد برده و هر چه از پستخانه مطالبه می کنم جواب نمی دهند. بهتر است به کلی رجوع خود را از پستخانه قطع کنیم. بلکه آسوده به کارهای دیگر برسیم زیرا که می بینیم رئیس پست را زده، مالش را برده اند که مال خود دولت است ابدا کسی به فریادش نمی رسد پس وای به حال ما، بهتر آن است که به مضمون آیه شریفه خود دولت است ابدا کسی به فریادش نمی رسد چهفر، بوشهر در مطبوعات عصر قاجار، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸ خ. ص ۴۱ و ۴۲).



عبد الحسين ميرزا فرمان فرما در ماموريت فارس در سال ١٢٩٥ خ. به فرزند خود سالار لشكر مي نويسد:

"در این مدت که ما وارد شیراز شده ایم، از شرارت و سرقت های خطیر اشرار و دزدی های ممسنی و چهاردهی و ... شکایات و تظلم فوق العاده از کرمان و یزد و خراسان و اطراف می رسید و از طرف اولیای دولت نیز در آرامش داخلی احکام موکده صادر می شد که از آن جلوگیری و اموال مسروقه مسترد گردد. ما نیز به وسایل مقتضیه اقدام و اهتمام کردیم، چاره پذیر نشد. تا اینکه این اوقات خواستیم یک عده اردو تربیت و تشکیل داده به این سمت ها اعزام داریم. از گوشه و کنار پاره عنوانات می کنند که مسئله را ما دست آویز قرار داده برای خرج تراشی یا جلب فایده شخصی [است] این بود که از این بابت افسرده و ندامت حاصل کرد." (اتحادیه، منصوره،کتاب سیاق معیشت در عهد قاجار، سیاق اول، حکمرانی و ملکداری، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۳، پاورقی شماره ۲).

پس از تشکیل مجلس شورای ملی، در ۱۳ دی ماه ۱۲۸۹ خورشیدی لایحه تشکیل "ژاندارمری" مطرح و تصویب شد. به همین منظور هیئت نظامی به فرماندهی سرهنگ یالمارسن در ۲۳ امرداد ۱۲۹۰ خ. به ایران آمدند. این سازمان نیز بنا به دلایلی از جمله فقدان بودجه، عملکرد مفیدی در امنیت راه ها نداشت.

پس از کودتای سید ضیاء الدین طباطبایی در ۳ اسفند ۱۲۹۹ خ. رضا خان میرپنج که وزارت جنگ را به عهده گرفت؛ ژاندارمری را در نیروی قزاق ادغام کرد و در تاریخ ۱۴ دی ماه ۱۳۰۰ خ. فرمان تشکیل سازمان "قشون" را ابلاغ کرد. (تقوی، سید مصطفی، امنیت در دوره رضا شاه، ص ۳۷ و ۳۸). در این فرمان، کشور به پنج بخش تقسیم شد و برای تامین امنیت به هر بخش یک لشگر اختصاص یافت:

- ۱ بخش مرکز، لشگر یکم، مستقر در تهران
- ۲ بخش شمال غرب، لشگر دوم، مستقر در تبریز
  - ۳- بخش غرب، لشگر سوم، مستقر در همدان
- ۴- بخش جنوب، لشگر چهارم، مستقر در اصفهان
  - ۵- بخش شرق، لشگر پنجم، مستقر در مشهد

با گذشت یک دهه از این تاریخ، راهزنی و سرقت جاده ای کاهش چشمگیر یافت و امنیت در راه ها برقرار گردید.

آنچه روایت شد؛ گوشه کوچکی از نابسامانی احوال مردم رنج دیده ایران در اواخر دوره قاجار بود که جان و مالش در کوران رخداد های داخلی و خارجی، تاراج می شد.

- \* در نگارش متن از راهنمایی آقای ساسان بهار آیین بهره برده ام. از ایشان سیاس گزارم.
- \*\* پاکت نامه هایی که تصویر شان در متن قرار دارد؛ جهت آشنایی خواننده با شکل و شمایل مرسوله های پستی در محدوده زمانی مورد بحث بوده بطور مستقیم در ارتباط با موضوع نیستند.

## بن مایه ها:

- ۱- منصوره اتحادیه، سیاق معیشت در عهد قاجار، سیاق اول، حکمرانی و ملکداری، تهران: نشر تاریخ ایران،۱۳۶۲ خ.
- ۲- سید جعفر حمیدی، بوشهر در مطبوعات عصر قاجار، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸
- ٣- سيد مصطفى تقوى، امنيت در دوره رضا شاه، تهران: موسسه مطالعات تاريخ معاصر ايران، ١٣٨٩ خ.
- ۴- سعید نفیسی، تاریخ شهریاری شاهنشاه رضا شاه پهلوی از ۳ اسفندماه ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریورماه ۱۳۲۰، تهران: شورای مرکزی جشنهای بنیادگزاری شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۴ خ.
  - ۵- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، مدخل جنبش مشروطیت ایران

## Post, a victim of banditry during the Qajar period

Saeed Bakhtiari Soltani

Member of Iran Philatelic Study Circle

user35335@gmail.com

December 2020

Chronic economic and political instability during the 134-year Qajar period had paved the way for the aggression of opportunists and greedy people over the lives and property of the people. Part of this disorder was reflected in road insecurity. Numerous examples of historical reports and world observations on road robbery and looting have been recorded and are available. (Nafisi, Saeed, History of the Imperial Reza Shah Pahlavi from 3 Esfand 1299 to 24 Shahrivar 1320, Tehran: Central Council of the Imperial Foundations of Iran, 1344 pp. 26-32).



It is the duty of every government to ensure road safety. During the Qajar period, activities were carried out by the government to achieve this goal, but most of these decisions and actions did not lead to results. Fath Ali Shah Qajar invited the French General Gardane (Claude Matthieu, Count Gardane) to Iran to organize military affairs. At the beginning of the reign of Nasser al-Din Shah, Mirza Taghi Khan Amir Kabir followed this issue. During this period, the Austrian Conte de Monte Forte was hired for this purpose.

In order to protect the roads, a section called "Qarasuran" (Colonel of the caravan guards) was established, but in practice, providing road safety was one of the responsibilities of the region. (Taghavi, Seyed Mostafa, Security in the Reza Shah Period, Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History, 1389, p. 20).

The year 1284 (Solar) was the beginning of a new economic crisis in Iran. On the one hand, cholera became widespread in the country, and on the other hand, farmers' crops

were poor. The background to this new crisis in Iran was the stagnation of trade in the north due to the war between Russia and Japan. "Food prices rose rapidly, as in the cities of Tehran, Tabriz, Rasht and Mashhad, in the first quarter of this year, sugar became 33% more expensive and wheat 90% more expensive." (Wikipedia, the entry for the Iranian Constitutional Movement). Customs revenue was reduced and the government's request for a foreign loan was denied. The government inevitably raised taxes on traders to make up for the budget deficit. These unrests gradually led to public protests that eventually led to the August Revolution of 1285 (Solar). And the issuance of the constitutional decree led.

The conflict between the political factions and the post-constitutional crisis in different parts of the country caused more turmoil in the country's military forces.

In this situation, some insurgents were lurking on the roads and intercity roads. They robbed any caravan or cargo that they thought was of interest to them. The robberies ranged from merchants' personal cargo to government cargo, such as carts of cargo and postal items.

Including areas where looting occurred frequently; It was a Persian region. Post office cargo sent from Bushehr to Shiraz; It was robbed almost twice a month. This issue was so prevalent that the lost merchants thought of using personal couriers to solve this problem.

Habal Al-Matin newspaper (Calcutta edition) published an article in this regard on the 19th of Dhi Al-Qaeda, 1324 (AH) (13 Day, 1285 (Solar), equal to 17 December 1906 AD), 14th year, No. 19, pages 14 and 15:

"Another issue that has been inherited by the merchants is the theft of the government post, which steals the post once or twice a month, and the merchants have to take a duplicate from you. Last night I was at the house of one of the respected merchants and a group was present. At this time, the caravan and the pedestrian do not work, everything they do is the post and the head of the post. Let 's cut off our referrals from the post office altogether, but let' s move on to other things, because we see that the head of the post office has been beaten, rubbed, which belongs to the government itself. No one can hear him at all, so woe to us, it 's better that Let's act according to the meaning of the holy verse (Faatbruwa or Oli Al-Absar). "

(Hamidi, Seyed Jafar, Bushehr in the Qajar Press, Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History, 1378, pp. 61 and 62).



Abdolhossein Mirza Farmanfarma in the Persian mission in 1295 (Solar). He writes to his son Salar Lashkar:

"During the time that we have entered Shiraz, there have been extraordinary complaints and grievances from Kerman, Yazd, Khorasan and the surrounding area about the evils and serious thefts of the miscreants, the thefts of Mamasani and the fourteen, and so on. Internal calm was issued to prevent the stolen property from being returned, and we took the necessary measures, but there was no way out, until at this time we wanted to train and send a group to these positions. "There are rumors circulating around us that the issue has been left to us for spending or for personal gain [that] he was depressed and remorseful about it." (Ettehadiyeh, Mansoureh, The Context of Livelihood in the Qajar Era, The First Context, Governance and Property, Tehran: History of Iran Publishing, 1362, p. 13, footnote 2).

After the formation of the National Assembly, on 13 Day, 1289 (Solar), the bill for the formation of the "Gendarmerie" was proposed and approved. For this purpose, a military delegation under the command of Colonel Yalmarsen on 23 Amordad 1290 (Solar). They came to Iran. This organization also did not perform well in road safety due to reasons such as lack of funding.

After the coup d'etat of Seyed Zia-ud-Din Tabatabai on 3 Day, 1299 (Solar). Reza Khan Mirpanj, who took over the Ministry of War; He merged the gendarmerie with the Cossack force and on 14 Day, 1300 (Solar). He announced the order to form the "Army" organization. (Taghavi, Seyed Mostafa, Security in the period of Reza Shah, pp. 37 and 38) In this decree, the country was divided into five sections and an army was assigned to each section to provide security:

- 1- Central section, 1st Division, based in Tehran
- 2- Northwest part, 2nd Division, based in Tabriz
- 3- Western part, 3rd Division, based in Hamedan

- 4- Southern part, 4th Division, based in Isfahan
- 5- Eastern part, 5th Division, based in Mashhad

A decade later, road robberies and thefts dropped dramatically and road safety was restored.

What was narrated; It was a small part of the turmoil of the suffering people of Iran in the late Qajar period that their lives and lives were plundered during internal and external events.

- \* In writing the text, I have used the guidance of Mr. Sasan Baharaeen, for which I thank him.
- \*\* Envelopes with a picture in the text; In order to acquaint the reader with the shape and image of postal items in the time frame, it is discussed and is not directly related to the subject.
- \*\*\* In translating this text from Persian to English, I used "Google Translate".

## References:

- 1- Mansoureh Ettehadiyeh, The Context of Living in the Qajar Era, The First Context, Governance and Property, Tehran: History of Iran Publishing, 1362.
- 2- Seyed Jafar Hamidi, Bushehr in the Qajar Press, Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History, 1378.
- 3- Seyed Mostafa Taghavi, Security in the Reza Shah Period, Tehran: Institute of Contemporary Iranian History Studies, 1389.
- 4- Saeed Nafisi, History of the Imperial Reza Shah Pahlavi from 3 Esfand 1299 to 24 Shahrivar 1320, Tehran: Central Council of the Imperial Founding Celebrations of Iran, 1344.
- 5- Wikipedia, the free encyclopedia, Persian Constitutional Revolution.